بررسی مبنای انحصار قرائت صحیح در «ما اجتمع علیه القراء»

تنها یک سؤال می‌ماند. سؤال این است که شما فرمودید مجتمع علیه القراء، اجتماع قراء بر آن چیست؟ خیلی وقت‌ها هیئت، قوام یک قرائت است. شما می‌گویید «ملک یوم الدین»، «مالک یوم الدین»، در «ملک» و «مالک»، اختلفت القراء. اما در «یوم الدین» که اختلاف نکرده‌اند. خب اگر به صرف اختلاف می‌خواهید بگویید فقط در «الدین» اختلاف نکرده‌اند. اما باز در «یوم» اختلاف دارند. یعنی بسیاری از قراء «یومَ‌الدین» خوانده‌اند. «ملک یومَ‌الدین»، یا «مالکٌ یومَ‌الدین»؛ ظرف گرفته‌اند. ببینید ابو حیان اندلسی در البحر المحیط سیزده قرائت می‌آورد.

بنابراین سؤال من این است: شما که می‌گویید «اجتمعت القراء»؛ آن چیزی که همه مجتمع هستند متواتر است، -این هفت تا هم که روی حرف واحد کاره ای نیستند. اینها هم مثل سائرین هستند- در آیه مبارکه «مالک یوم الدین»، مجتمع تنها کلمه «الدینِ» می‌شود. چون حتی عده‌ای کلمه «الدین» را «یومَ‌الدین» خوانده‌اند. شما کدام یک از آن‌ها را می‌خوانید؟

شاگرد: وقف باشد... .

استاد: آیا در اضافه وقف جایز است یا نه؟ وقف و ابتدا خودش مسأله‌ای است. ظاهراً مشکلی نباشد.

شاگرد۲:...

استاد: نه، ایشان می‌خواهند بگویند مرحوم فیض که «ما اجتمع» می‌گویند، راه درست شود تا... .

شاگرد۲: نمی‌شود. همین را عرض می‌کنم. وقتی توقف می‌کند تکلیف را مشخص نمی‌کند. اجتماعی بر توقف ندارید. صرف می‌خواهد در شود.

استاد: اگر وقف جایز باشد که مانعی ندارد. وقف جایز می‌کند، آن چه را که با وقف خوانده قرآن است. اگر حرکت بدهد «یومَ»، شاید قرآن نیست.

شاگرد: اینجا عربیت است و می‌خواهد معنا را بفهمد. آموزشی در کار نیست و صرفاً وجه شده است. معلوم نیست ظرف است، معلوم نیست مضاف الیه است.

استاد: ایشان می‌توانند بگویند در «یوم الدین»، آن چیزی که معروف است همان «یومِ» است. ما در قرائات سبع «یومَ» نداریم. در عشر هم نداریم. در وراء عشر این قرائت را داریم. می‌گویند خب آن‌ها بیرون است. من که گفتم اختلف القراء، اجتمع علیه‌ا یعنی اجتمع قراء سبع.

شاگرد: ایشان «مالک» را چه می‌کند؟

استاد: در مالک همان تواتر وحدت به‌بهانی را می‌توانید بگوید. بگوید که چون می‌دانیم در مرثیه و مسمع معصومین بوده پس هر کدام از آن‌ها مجزی است. خود مرحوم فیض در صافی وقتی به «ملک/ مالک یوم الدین» می‌رسند، می‌فرمایند:

> مالك يوم الدين: في تفسير الإمام (عليه السلام) يعني القادر على إقامته والقاضي فيه بالحق والدين والحساب. وقرئ ملك يوم الدين روى العياشي أنه قرأه الصادق (عليه السلام) ما لا يحصى[1]

«مالك يوم الدين: في تفسير الإمام (عليه السلام) يعني القادر»؛ درحالی‌که در تفسیر «ملک» بوده. در تفسیر امام، حضرت هر دو قرائت را معنا کرده‌اند. اول به‌عنوان «ملک یوم الدین»...؛ چون همانطوری که شیخ الطائفه فرمودند در هیچ مصحفی «ملک یوم الدین»، الف ندارد. از صدر اسلام به بعد که این خط‌های قیاسی آمد، «مالک» را با الف نوشتند. و الا جمیع مصاحفی که اول بوده و به امصار فرستادند «الف» نداشته است. در تفسیر الامام هم اول همان «ملک» را معنا می‌کنند. به‌معنای مقتدر و قادر. تفسیر الامام علیه‌السلام صفحه ۳۸؛

> قوله عز وجل: " مالك يوم الدين ":قال الإمام عليه السلام: (مالك يوم الدين) أي قادر على إقامة يوم الدين، وهو يوم الحساب، قادر على تقديمه على وقته، وتأخيره بعد وقته، وهو المالك أيضا في يوم الدين، فهو يقضي بالحق، لا يملك الحكم والقضاء في ذلك اليوم من يظلم ويجور، كما في الدنيا من يملك الحكام[2]

«قوله عز وجل: " مالك يوم الدين "»؛ الآن در کتاب ما «مالک» است. حضرت فرمودند:**«قال الإمام عليه السلام: (مالك يوم الدين)»؛** باز «مالک» نوشته است. «ای قادر»؛ مالک یعنی صاحب، شما که صاحبخانه هستید یعنی بر خانه قادر هستید؟ «ملک» است که قادر است. «المالک هو القادر». اصلاً لغت ملک به‌غیر از سلطان، قادر است. عبارت امام علیه‌السلام را ببینید.

«(مالك يوم الدين) أي قادر على إقامة يوم الدين، وهو يوم الحساب، قادر على تقديمه على وقته، وتأخيره بعد وقته»؛ این قادر است. بعد می‌فرمایند: «وهو المالك أيضا في يوم الدين»؛ یعنی اول «ملک یوم الدین» است که قادر است، «و هو المالک ایضا»؛ مالک هم هست. امام علیه‌السلام توضیح می‌دهند: «فهو يقضي بالحق، لا يملك الحكم والقضاء في ذلك اليوم من يظلم ويجور»؛ یعنی دقیقاً همان چیزهایی است که ابوعلی فارسی هم دارند. یعنی برای «مالک» شاهد می‌آورند که «لایملک الحکم». آیه شریفه را شاهد آورده‌اند. یکی هم برای «ملک» می‌آورند؛ «الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ [3]».

مرحوم فیض در تفسیر صافی فرمودند: «في تفسير الإمام (عليه السلام) يعني القادر على إقامته والقاضي فيه بالحق والدين والحساب». دنباله اش را که می‌فرمایند «و هو المالک ایضا فی یوم الدین» را نیاورده اند. بخشی از حدیث را آورده‌اند. بعد فرموده‌اند «وقرئ ملك يوم الدين روى العياشي أنه قرأه الصادق (عليه السلام) ما لا يحصى»؛ مرحوم فیض از عیاشی یک حدیث را آورده‌اند.

عیاشی[4] هر دو را از دو راوی می‌آورد. یکی حلبی است. یکی از آن‌ها می‌گوید بسیار دیدم که امام «ملک یوم الدین» می‌خواند و دیگری می‌گوید دیدم که حضرت «مالک یوم الدین» می‌خواندند. لذا مرحوم مجلسی در بحارالانوار فرمودند: در روایات اهل البیت علیهم‌السلام هر دوی «ملک» و «مالک» آمده است، «و ان کان روایة مالک اکثر[5]». یعنی در روایات تعیین نشده است. به تعبیر مرحوم آقای خوئی[6] حتی یک روایت ضعیف برای تعیین آن‌ها نیامده است، بلکه هر دوی آن‌ها در روایات آمده است و هر دو را خوانده‌اند.

---

[1]التفسیر الصافی ج۱ ص۸۳

[2]تفسير الإمام العسكري ص۳۸

[3]الحج۵۶

[4] تفسير العياشي، ج1، ص: ۲۲؛ عن محمد بن علي الحلبي عن أبي عبد الله ع أنه كان يقرأ مالك يوم الدين.عن داود بن فرقد قال: سمعت أبا عبد الله ع يقرأ ما لا أحصي ملك يوم الدين.

[5]بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸۲، ص: ۲۲

[6]المستند فی شرح العروة الوثقی ج۱۴ ص ۴۴۳؛فيظهر جواز القراءة بكل منها كما عليه العامّة و إلّا لبيّنوه (عليهم السلام) و نقل إلينا بطريق التواتر، كيف و لم يرد منهم تعيين حتى بخبر واحد

بازبینی #2
ایجاد شده 22 آوریل 2024 15:21:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 09:48:25 توسط ... .